



## **Praxeology and Typology of the Oppressive Developments in Safavid Iran From the Reign of Shah Abbas I to the end of the Safavids**

**Hosein Ghasemi**

PhD student in Iranian history, Islamic course, Shahid Beheshti University

**Maghsud Ali Sadeghigandomani<sup>1</sup>**

Associate Professor of History, Tarbiat Modares University, Tehran

Received: October, 13, 2020; Accepted: June, 8, 2021

(pp. 69-91)

### **Abstract**

Safavid Iran was a time of widespread grievances of the people against the injustices of government officials and other powerful people. Therefore, recognizing the oppressors and their characteristics in this period can show a part of the social life of the people through their protests against the performance of government agents. The main question of the present study is what effect did the policies of the Safavid government have on the praxis of the oppressors of this era and what changes did it make in them typologically? Examining the oppressors of the Safavid period in various documents, books and documents, and based on the findings of the research, it should be said that in the beginning of this government, due to the turmoil in the country, there was less opportunity for the oppressors to show themselves, but since the reign of Shah Abbas First, as well as his successors, the stability of the government gradually led to the establishment of the institution of grievances and the emergence of behaviors such as collective grievances, writing grievances and creating a kind of cohesion, perseverance and even planning, as well as trade union solidarity and It became a group of oppressors. For the first time, nomads, women, minorities and foreigners joined the oppressed category for the first time. In the present study, this issue has been investigated based on historical method and descriptively-analytical and based on library data retrieval.

**Keywords:** Safavid reign, system of grievances, grievances, oppressors, Praxeology, typology.

---

1. Email of Author: [m\\_sadeghi@modares.ac.ir](mailto:m_sadeghi@modares.ac.ir)

## رفتارشناسی و گونه‌شناسی تحولات متظلمان ایران عصر صفوی از سلطنت شاه‌عباس یکم تا پایان صفویان

حسین قاسمی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهید بهشتی

مقصود علی صادقی‌گندمانی<sup>۱</sup>

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس تهران

(از ص ۶۹ تا ص ۹۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

علمی-پژوهشی

### چکیده

ایران عصر صفوی، دوران رواج تظلم‌خواهی‌های گسترده مردم در برابر اجحافات کارگزاران حکومت و دیگر قدرتمندان بود. از این رو شناخت متظلمان و ویژگی‌های آنان در این دوران می‌تواند گوشه‌ای از حیات اجتماعی اقشار مردم را به واسطه اعتراضاتشان نسبت به عملکرد کارگزاران حکومت نشان دهد. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که سیاست‌های حکومت صفویه چه تأثیری بر رفتار متظلمان این عصر داشت و از نظر گونه‌شناسی چه تغییراتی را در آنان ایجاد کرد؟ با بررسی متظلمان دوره صفوی در اسناد، کتب و مدارک گوناگون، و بر اساس یافته‌های تحقیق باید گفت در اوایل این حکومت به جهت آشفتگی اوضاع مملکت، مجالی کمتر برای بروز خودنمایی متظلمان به وجود آمد، اما از زمان سلطنت شاه‌عباس یکم و نیز جانشینان او به تدریج ثبات حکومت موجب تثبیت نهاد تظلمات و بروز رفتارهایی چون شکایات دسته‌جمعی، مکتوب کردن تظلم‌خواهی‌ها و ایجاد نوعی انسجام، سماجت و حتی برنامه‌ریزی، و همچنین ایجاد همبستگی‌های صنفی و گروهی از سوی متظلمان شد. ضمن اینکه عشایر، زنان، اقلیت‌ها و بیگانگان برای نخستین‌بار به صورتی گسترده وارد جرگه متظلمان شدند. این مسئله در تحقیق حاضر بر اساس روش تاریخی و به صورت توصیفی تحلیلی و بر اساس داده‌بایی کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** حکومت صفویه، نظام تظلمات، تظلم‌خواهی، متظلمان، رفتارشناسی، گونه‌شناسی.

## ۱. مقدمه

تظلم‌خواهی و رسیدگی به آن یکی از سنت‌های مشترک در بسیاری از فرهنگها و جوامع در طول تاریخ بود. در حوزه اسلام و ایران نیز «نهاد مظالم» متصدی رسیدگی به مظلم‌خواهی‌ها بود. ریشه‌های این نهاد در ایران باستان کاملاً مشخص است. باین‌حال در جهان اسلام، نخستین بار ماوردی بود که در *احکام‌السلطانیه* دست به صورت‌بندی عملکرد دیوان مظالم زد (نک: ماوردی، ۱۳۸۳: ۱۶۳-۲۰۰). گرچه نگاه ماوردی به مقوله مظالم بیشتر متوجه نحوه رسیدگی‌ها بوده و چندان به مردم متظلم نمی‌پردازد، اندیشه‌های او چنان تأثیرگذار بود که اسلافش نظریات وی درباب مظالم را تقریباً بی‌کم‌وکاست تکرار کردند.<sup>(۱)</sup> گویا حمله مغولان به ایران گسست عمیقی در نهادهای سیاسی و اجتماعی ایجاد کرد که تا سال‌ها التیام نیافت. جدای از این ادبیات اندرزنامه‌ای، نیز که یکی از محصولات تمدنی و فرهنگی ایران بود، در رواج و تداوم رسیدگی به مظلم‌خواهی بی‌تأثیر نبود. بنابراین صفویان وارثان این دو آبخور فرهنگی بودند. نکته حائز اهمیت در این میان اینکه در فضای ایران عصر صفوی، که مذهب تسنن را به کناری نهاده و تشیع را گسترده بود، هیچ منبع فقهی‌ای که در آن رابطه حکومت و مردم براساس تظلمات باشد به نگارش درنیامد. بعید نیست این امر متأثر از نگاه فقهای شیعه به مقوله قدرت و لزوم اطاعت تام مردم از امام و جانشینانش بوده باشد. درمقابل آن، ادبیات اندرزنامه‌ای در عصر صفوی همچنان تولید شد؛ گرچه فاقد نوآوری نسبت به دوران قبل بود. شاید مهم‌ترین نمونه ادبیات اندرزنامه‌ای عصر صفوی، *روضه‌الأنوار عباسی* باشد. سبزواری در این اثر، که در زمان سلطنت شاه‌عباس دوم نگاشته، از اندیشه نصیحه‌الملوک‌ها گرفته‌برداری نموده و به آن رنگ‌وبوی شیعی داده است. او شاه را تشویق به داددهی مردم می‌کند و معتقد است شاه باید دست‌کم افرادی را برای رسیدگی به مظلم‌خواهی‌ها منصوب کند.<sup>(۲)</sup> (محقق‌سبزواری، ۱۳۸۱: ۱۶۶-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۱-۱۷۵-۱۸۷). گویا آثاری از این دست در ذهن و عمل شاهان صفوی و تشویقشان به پراکندن عدالت و رسیدگی به مظلم‌خواهی‌ها مؤثر واقع شد.

این پژوهش قصد دارد متظلمان و مظلم‌خواهی‌های آنان در عصر صفوی را موردبررسی قرار دهد. مظلم‌خواهی واکنشی بود که در پی بروز اجحافات از سوی کارگزاران حکومتی و دیگر اقویا و نیز ناتوانی نظام قضایی در رسیدگی به شکایات از سوی مردم صورت می‌گرفت. گویا حکومت‌ها از دیرباز این اجازه را به مردم داده بودند تا

شکایاتشان از صاحب‌منصبان را اعلام کنند. بنابراین دوره‌های ثبات و امنیت با رواج دوگانه تظلم‌خواهی‌ها و رسیدگی به آن‌ها توأم می‌شد. با وجود این گویا حکومت‌های پیشاصفوی کمتر توانستند به‌صورتی همه‌جانبه، در سطوح مختلف زندگی مردم درگیر شده، با مسائل و مطالبات آنان آشنایی یافته و به آنها رسیدگی کنند. به‌نظر می‌رسد حکومت صفویه با توجه به ایجاد برخی تغییرات تدریجی در بسیاری از عرصه‌ها، نظام تظلمات را نیز از این تغییرات بی‌نصیب نگذاشت. بر همین اساس تحقیق حاضر قصد دارد این پرسش را پاسخ دهد که کنش‌ها و رفتارها، و نیز گروه‌های جمعیتی مردم متظلم در ایران عصر صفوی، بر اثر سیاست‌های آن حکومت دچار چه تحولاتی شد؟

این مسئله تاکنون چندان موردتوجه قرار نگرفته است. گرچه برخی آثار به‌صورتی گذرا و پراکنده به برخی جنبه‌های تظلم‌خواهی ایران عصر صفوی اشاراتی داشته‌اند، نگرش همه‌جانبه و موشکافانه به متظلمان و رفتارهای آنان، کمتر موردتوجه قرار گرفته است. سلطان‌یان (۱۳۹۵) بیشتر به رسیدگی‌های حکومت به تظلم‌خواهی‌های کشاورزان در این دوره پرداخته و کیوانی (۱۳۹۲) برخی شکایات مربوط به اصناف را در کتاب خود آورده است. شاید مهم‌تر از همه، پژوهش فلور (۱۳۸۱) باشد. فلور در بخشی از کتاب خود به تظلم‌خواهی‌ها و بالتبع متظلمان در عصر صفوی پرداخته است اما او تنها به ذکر نمونه‌هایی بسنده کرده و تفسیری از روند و تحولات تاریخی متظلمان و تظلم‌خواهی‌های مردم ارائه نداده است. در واقع تاکنون اثری که به‌صورت اختصاصی و موشکافانه به متظلمان و رفتارها و گروه‌های جمعیتی آنان در عصر صفوی پرداخته باشد، به نگارش درنیامده است.

## ۲. متظلمان در اوایل حکومت صفوی

بررسی مردم متظلم در اوایل حکومت صفوی تا برآمدن شاه‌عباس یکم دشواری‌های فراوانی دارد که شاید مهم‌ترین آن‌ها کمبود منابع باشد. علاوه بر اینکه بیشتر مطالب وقایع‌نگاری‌ها به جنگ‌ها و درگیری‌های سیاسی می‌پردازند، در این سال‌ها، نشانه‌های کمتری از بیگانگان و بالطبع سفرنامه‌هایشان وجود دارد. به‌نظر می‌رسد دوران اولیه حکومت صفوی، چندان عرصه را برای خودنمایی مردم متظلم مهیا نمی‌کرد. شاید به‌جز نیمه دوم سلطنت شاه‌تهماسب، شاهان صفوی جدای از اینکه مشغول کنار زدن هموردانشان بودند، همواره از جانب همسایگان غربی و شرقی خود نیز موردحمله قرار می‌گرفتند. بعید نیست این وضعیت در ناکامی متظلمان در عرض اندام مؤثر بوده باشد.

از معدود گزارش‌هایی که از مردم متظلم و نقش فعال آنان در زمان سلطنت شاه‌اسماعیل یکم باقی مانده است، ماجرای احتکار غله توسط «اربابان اصفهان» است که موجب نیاب شدن آن شد. این اتفاق که در فضای شهری رخ داد، مردم را به تظلم‌خواهی نزد شاه واداشت. گویا آنان از ازدحام مراسم شرفیابی یکی از بزرگان، نهایت استفاده را کردند و شکایت خود را مطرح نمودند. پس حکومت «اربابان صاحب ثروت و سامان» محتکر را وادار به گشودن درب‌های انبارهای غله کرد (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۱۷۶-۱۷۷؛ واله‌اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۵۰). همچنین گزارش‌های غارتگری اشرار و راهزنان و ایجاد مزاحمت برای تجار در اوایل عصر صفوی (نک: امینی‌هروی، ۱۳۸۳: ۲۶۷؛ غفاری‌قزوینی، ۱۳۴۳: ۲۷۰) و اجحافات حکام (نک: امینی‌هروی، ۱۳۸۳: ۳۱۰؛ جهانگشای‌خاقان، ۱۳۶۴: ۲۹۴) که با واکنش حکومت همراه بود، می‌توانست در پی شکایات مردم و به‌ویژه تجار باشد، گرچه در مجموع کمتر می‌توان گروه‌های جمعیتی خاص و نیز رفتارهای آنان در این سال‌ها را مشاهده کرد. از معدود اشارات به تظلم‌خواهی بیگانگان در این دوره، مربوط به یکی از اهالی ونیز است که به ایران سفر کرده بود و پس از اینکه در دادگاه به پرداخت مطالباتش رسیدگی نشد، مجبور شد نزد شاه‌اسماعیل یکم تظلم‌خواهی کند. شاه نیز دستور رسیدگی را صادر کرد (جوزافا باربارو و دیگران، ۱۳۸۱: ۴۵۵-۴۵۶).

در دوره سلطنت شاه‌تهماسب نیز برخی تظلم‌خواهی‌های اندک و پراکنده از سوی مردم دیده می‌شود.<sup>(۳)</sup> گزارش‌هایی وجود دارند که نشان از حضور مؤثر شهرنشینان در جایگاه متظلمان است و این امر نمی‌تواند بی‌ارتباط با ثبات کشور در این دوره باشد. اعتراض مردم استرآباد به جهت تحمیل مالیاتی که مربوط به خرد کردن پول مسین و ضرب سکه بود، باعث شد مدتی بعد این مالیات غیرقانونی خوانده و لغو شود. درباره این لغو مالیاتی سنگ‌نوشته‌ای به فرمان شاه‌تهماسب بر سردر مسجد جامع نصب شد (فلور، ۱۳۹۵: ۲۴۳-۲۴۴). یا وقتی مردم کرمان به جهت وضع مالیات ارضی جدید شکایات متواتری را به شاه‌تهماسب ارائه دادند، شاه مجبور شد با اخذ مالیات به شیوه قدیم موافقت کند (باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۲: ۳۰). احتمالاً تجار نیز از متظلمان فعال این دوره بودند (نک: غفاری‌قزوینی، ۱۳۴۳: ۲۷۴؛ حسینی‌قزوینی، ۱۳۱۴: ۲۵۲؛ منشی‌قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۲۹). هنگامی که حکام برخی ایالات دور از دسترس حکومت مرکزی، ترددکنندگان در آن مناطق و به‌خصوص بازرگانان را آزار می‌دادند، مورد مؤاخذه حکومت مرکزی قرار می‌گرفتند (نک: عالم‌آرای شاه‌تهماسب، ۱۳۷۰: ۱۸۶-۱۸۷؛ ۲۰۶-۲۰۷). ظلم حکام گرمسیرات کرمان به «عجزه»

و «جمعی از اهل تجارت و ارباب سیاحت» موجب تظلم‌خواهی آنان در «دیوان اعلی» شد. پس شاه‌تهماسب، لشگری را به دفع وی فرستاد (روملو، ۱۳۵۷: ۵۷۱-۵۷۲؛ منشی‌قمی، ۱۳۸۳: ۵۶۳-۵۶۴؛ شاملو، ۱۳۷۱: ۸۹/۱). ظلم و ستم صافی‌خلیفه روملو به کشاورزان هرات (روملو، ۱۳۵۷: ۳۴۶) باعث شد «جمعی از بزرگان آن ولایت محضری در این باب و عرضه‌ای از ظلم صافی‌خلیفه به درگاه جهان‌پناه جم‌جاه فرستادند» (عالم‌آرای شاه‌تهماسب، ۱۳۷۰: ۶۲-۶۳). این مورد از معدود نمونه‌های تظلم‌خواهی مکتوب<sup>(۴)</sup> و البته از سوی کشاورزان در این سال‌هاست. از دوره سلطنت شاه‌تهماسب، شکایات معدودی نیز از ارامنه و گرجیان باقی مانده که بیشتر مربوط به دعاوی ملکی است (نک: اعرابی‌هاشمی، ۱۳۹۴: ۲۶۵؛ رشتیانی، ۱۳۹۴: ۳۱/۱).<sup>(۵)</sup>

رفتار مردم متظلم در دوران پس از سلطنت شاه‌تهماسب چندان مشخص نیست. برای مثال در ماجرای شکایت مردم کاشان نسبت به اجحافات محمدخان ترکمان، حاکم کاشان در زمان سلطنت سلطان‌محمد خدابنده که موجب صدور حکم عزلش شد (ترکمان، ۱۳۸۷، ۲۴۸/۱-۲۴۹) مشخص نیست آن متظلمان دقیقاً از چه قشری بودند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود سواى ضعف منابع، به‌جهت نظام‌یافتگی کمتر اوضاع در سال‌های اولیه عصر صفوی، کمتر از متظلمان و رفتارهای آنان می‌توان نشانی یافت. بیشتر متظلمان این دوره از منظر گونه‌شناسی از طبقه تجار بودند و از دیگر ساکنان شهرها و روستاها برای عرض‌اندام مجال کمتری داشتند. در واقع ایران از دوران سلطنت شاه‌عباس یکم به دلایل شکل‌گیری برخی ساختارهای حکومتی، مرادۀ بیشتر با جهان خارج، ورود و شکل‌گیری گروه‌های جمعیتی گوناگون، و برآمدن طبقات جدید، به ثباتی رسید که بتوان در آن متظلمان و ویژگی‌های رفتاری آنان را بررسی کرد.

### ۳. رفتارشناسی متظلمان از سلطنت شاه‌عباس یکم تا پایان صفویان

سلطنت شاه‌عباس یکم تا انتهای حکومت صفویه را می‌توان دورانی دانست که به‌جهت تشدید و توسعه سیاست‌های تمرکزگرای آن حکومت، کاهش مجادلات با رقبای داخلی و دشمنان خارجی، و البته ساختارمندتر شدن بسیاری از نهادهای حکومتی، رفتارهای متظلمان این دوران را دچار تحولات مهمی کرد.

حضور بیشتر شاهان صفوی در پایتخت و سکونت در کاخ‌ها و حضور کمتر در صحنه‌های عمومی، از مهم‌ترین تغییراتی است که در دوران تثبیت حکومت صفوی و سال‌های پس از آن رخ داد. این اتفاق به‌رغم کاهش زمینه‌های تظلم‌خواهی‌های مرسوم،

که بیشتر بر سر گذر شاهان و بدون توجه به مکان و زمان خاصی صورت می‌گرفت، تثبیت نهاد تظلمات را در پی داشت. گرچه رسیدگی به تظلم‌خواهی‌ها در دوران اولیه حکومت صفوی رواج داشت، گویا از عصر شاه‌عباس یکم به این سو بود که دیوانیان و درباریان به‌خصوص در دوران شاه‌عباس دوم بیشتر در روند رسیدگی به تظلم‌خواهی‌ها درگیر شدند. آنان در منابع این دوران، ارکان دولت قاهره خوانده می‌شدند و به‌نحوی دستورات اعتمادالدوله را که به‌نیابت از شاه صفوی فعالیت می‌کرد اجرا می‌نمودند. ضمن اینکه مناصبی مانند دیوان‌بیگی و صدر در رسیدگی به تظلم‌خواهی‌ها نقش مهمی ایفا می‌کردند (واله‌اصفهانی، ۱۳۸۰: ۱۵۵-۵۴۶). از مهم‌ترین عللی که می‌توان از نهاد در این دوران سخن گفت اینست که نوعی ساختمان شدن در نحوه و روند رسیدگی به شکایات مردم به تدریج به‌وجود آمد. علاوه بر حضور عالی‌رتبه‌ترین مقامات کشوری، بر اساس برخی ضوابط و شیوه‌ها، عمدتاً در مکان و زمان‌های خاص به تظلم‌خواهی‌ها رسیدگی می‌کرد (نک: واله‌اصفهانی، ۱۳۸۰: ۵۲۷؛ وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۵۸-۱۵۷-۱۹۰-۲۲۰؛ میرزارفیعا، ۱۳۸۵: ۱۸۸). به‌نظر می‌رسد این تحول مهم باید برخی تغییرات را در رفتار متظلمان این دوران ایجاد کند. مهم‌ترین این تغییرات عبارتند از:

#### الف. تظلم‌خواهی‌های دسته‌جمعی

یکی از برآیندهای تثبیت حکومت و بالتبع آن، تثبیت نهاد تظلمات، تظلم‌خواهی‌های گروهی و دسته‌جمعی بود که در دوره‌های قبل نمود کمتری داشت. سوای اینکه این شیوه از تظلم‌خواهی، خطرات جانی و مالی کمتری نسبت به تظلم‌خواهی‌های فردی داشت،<sup>(۶)</sup> گویا هجوم گروهی متظلمان به دربار صفوی، مشروعیت بیشتری برای حکومت به‌بار می‌آورد و شاه را بیش از پیش به‌عنوان یگانه ملجأ عدالت‌گستری بازمی‌نمایاند.<sup>(۷)</sup> احتمالاً نوعی تجربه تاریخی به متظلمان گوشزد می‌کرد که تظلم‌خواهی‌های گروهی بیشتر مقرون به موفقیت است و بر اساس برخی گزارش‌ها نیز معمولاً این گونه بود (نک: افوشته‌ای‌نطنزی، ۱۳۷۳: ۴۵۳-۴۵۴؛ ۴۶۰-۴۶۳؛ متی، ۱۳۹۳: ۱۸۱). تقاضای حکومت از مردم جهت ابراز شکایات احتمالی نیز از اتفاقات جالب‌توجه این دوران است که به تعداد بسیاری از مردم جسارت تظلم‌خواهی می‌داد (نک: بسطامی، ۱۳۸۰: ۱۷۳-۱۷۴؛ مشیزی، ۱۳۶۹: ۳۳۶). فومنی درباره ماجرای کنار زده شدن بهزادبیک، وزیر گیلان، از حکومت آنجا، در عصر شاه‌عباس یکم گزارش می‌دهد جارچیان به دستور شاه مکرراً از مردم خواستند اگر شکایتی از وی دارند به عرض برسانند که مردم نیز چنین کردند (فومنی:

۱۹۹-۲۱۴). بارعام‌ها نیز می‌توانست فرصتی برای ارائه تظلمات مردمی در سطحی گسترده باشد<sup>(۸)</sup> (نک: مشیزی، ۱۳۶۹: ۳۵۴؛ فیگوئرا، ۱۳۶۴: ۳۲۵).

یکی از علل شکایات دسته‌جمعی مردم، کمبود و گرانی اجناس و احتکار کالاها توسط «آربابان» بود که در دوره‌های قبل نیز سابقه داشت (نک: وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۳۰۷؛ واله‌اصفهانی، ۱۳۸۰: ۶۵۹؛ شاردن، ۱۳۴۵: ۱۴۶/۹-۱۴۷). بدرفتاری محصلان مالیاتی نیز در بروز شکایات مردم مؤثر بود (نک: مشیزی، ۱۳۶۹: ۲۵۱؛ فلور، ۱۳۹۵: ۳۰۵). برخی منابع گزارش می‌دهند در این دوران، مردم با جمعیت بیشتری خود را برای دادخواهی به پایتخت می‌رساندند (نک: فومنی، ۱۳۴۹: ۲۳۱؛ وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۳۱۵-۳۱۶؛ تذکره کرمان: ۲۶۷؛ تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۱۱-۲۱۲). شاردن می‌گوید شکایات گروهی عمدتاً به این خاطر بود که یک صنف، یک دهستان و یا یک منطقه از حاکم خود شکایت داشتند. آنان نزدیک کاخ و به‌خصوص حرمسرا می‌رفتند و شروع به دادوفریاد می‌کردند. ضمن اینکه شکایات مربوط به درآمد و عواید مالیاتی شاه نیز عمدتاً به‌صورت گروهی از جانب روستاییان صورت می‌گرفت (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۹۳/۸). گویا بسیاری از مواقع که شکایات فردی به جایی نمی‌رسید، شکایات گروهی حکومت را وادار به رسیدگی می‌کرد (نک: مشیزی، ۱۳۶۹: ۲۵۱).

#### ب. تظلم‌خواهی‌های مکتوب

یکی دیگر از تحولاتی که در رفتار متظلمان این دوران نسبت به سال‌های پیشین رخ داد، رواج تظلم‌خواهی‌های مکتوب و نگاشتن عریضه بود. سیاست‌های آموزشی صفویان در این سال‌ها به صورتی گسترده، بسیاری از طیف‌های جامعه را تحت تأثیر قرار داده بود (نک: حسنی، ۱۳۸۵: ۱۵۵-۱۶۶). بعید نیست این تحول مرتبط با رواج این نوع از تظلم‌خواهی‌ها بوده باشد. بنابراین می‌توان گفت تعداد باسوادان در این دوره بیش از دوران قبل شده بود و این امر راه را برای نگارش عریضه‌ها هموار می‌کرد. احتمالاً برخی روحانیان رده‌پایین می‌توانستند در نقش عریضه‌نویسان مردم متظلم بی‌سواد ظاهر شوند. شاردن به ملایی اشاره می‌کند که جهت نوشتن عریضه‌ای مغلق برای سربازان کتک خورده بود (شاردن، ۱۳۳۶: ۲۷۲/۳-۲۷۳). علاوه‌براین تأکید می‌شد برای بررسی شکایات، تظلم‌خواهی‌ها به‌صورت مکتوب نیز ارائه شوند. گویا در این صورت علاوه‌بر اینکه با دقت و جزئیات بهتری به شکایات رسیدگی می‌شد؛ مجال مطابقت دعاوی شفاهی و مکتوب با یکدیگر نیز فراهم می‌شد تا رسیدگی‌ها با خطای کمتری صورت گیرد (نک: وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۵۵-۵۸؛ میرزارفیعا، ۱۳۸۵: ۱۸۸؛ شاملو، ۱۳۷۱: ۲۰/۲-۲۱؛ واله‌اصفهانی، ۱۳۸۰: ۴۰۵). جدای



از خواص و طبقات بالای جامعه (نک: شاردن، ۱۳۴۵: ۱۸۸/۸-۱۹۸) و برخی مواقع اتباع بیگانه که شکایات خود را به صورت مکتوب ارائه می نمودند (نک: شاردن، ۱۳۳۶: ۲۹۸-۲۹۲/۳، فیگوئرا، ۱۳۶۴: ۴۰۲-۴۰۴؛ متی، ۱۳۹۳: ۱۸۱)، مردم عادی نیز اگر تعدادشان قابل توجه می بود، با کمک افراد اهل قلم نامه های شکایت خود را به دربار ارسال می کردند. شاردن به «بیش از سیصد نامه تشکی و تظلم از اهالی قندهار» علیه حاکم آنجا اشاره می کند (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۹۹/۹). مفصل ترین روایت از لزوم ارائه عرایض مکتوب را سانسون آورده است. گویا اعتمادالدوله و دیوان بیگی عریضه شکایت را از شاکی گرفته و آن را مهر می کردند و مفاد شکایت را در پنج دفتر مختلف ثبت می کردند. سپس شاکی عریضه خود را به دیوان بیگی می داد و او عریضه را برای رسیدگی نزد یکی از خوانین و بزرگان ایالتی که شاکی از آنجا آمده بود می فرستاد و یک فرآش دربار که مأمور اجرای حکم بود همراه شاکی فرستاده می شد. این فرآش مأمور بود مبلغی را که به میزان اهمیت دعوی تعیین شده است از طرف دعوی که محکوم می شد وصول نماید. پس از آن شاکی دادخواستش را به صدارت عظمی می برد و وزیر عدلیه آن را به قصر می فرستد تا مهر شاه نیز بر آن دادخواست درج شود. سپس شاکی با فرآش مأمور اجرا به سمت محل خود حرکت می کرد تا حکم در حضور کسانی که دیوان بیگی رسیدگی به دعوی را به او ارجاع کرده بود اثبات گردد (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۸۴-۱۸۵). واضح است که این نحوه عریضه نویسی و فرایند ملالت آور و پرهزینه آن نیز یکی از برآیندهای حکومتی تثبیت شده بود.

### ج. تظلم خواهی های مداوم، پیگیرانه و حساب شده

تثبیت نهاد تظلمات با پشتوانه های سیاسی، نظامی و اداری از جانب حکومت صفوی از دوران شاه عباس یکم به این سو بر نحوه تظلم خواهی های مردم تأثیر مستقیمی گذاشت. گزارش های بسیاری وجود دارد که در آنها، متظلمان نسبت به دوره های قبل، به صورت نظام مند، گسترده و مداوم تری دست به تظلم خواهی می زدند. سماجت و پیگیر بودن متظلمان با تظلم خواهی های «مکرر» اتفاقی بود که تا پیش از این، کمتر سابقه داشت<sup>۹</sup> (نک: وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۶۲-۱۷۴-۱۷۶-۳۳۱؛ واله اصفهانی، ۱۳۸۰: ۴۱۰-۵۲۷-۵۲۹؛ شاملو، ۱۳۷۱: ۲۸۳/۱-۲۸۴؛ ترکمان و واله اصفهانی، ۱۳۱۷: ۱۱۲؛ شاردن، ۱۳۴۵: ۱۹۵/۹-۱۹۶). نمونه ای از سماجت تظلم خواهان در جامع مفیدی آمده است. بافقی می گوید وزیر یزد به راهداران مورد اعتمادش دستور داده بود تمام راه ها را ببندند تا کسی نتواند به سمت «اردوی معلی» برود و از وی شکایت کند. در نتیجه «سادات و اکابر و اهالی» علی رغم سرمای

شدید به طرزی «پوشیده و پنهان، یک‌یک و دودو» هنگام شب و موقعی که برف سنگینی در حال بارش بود خود را به اصفهان رسانده و تظلم‌خواهی کردند (مستوفی‌بافقی، ۱۳۸۵: ۲۰۳/۳-۲۰۰). یا اهالی خبیص برای عرض شکایتشان از داروغگان آنجا شبانه گریختند و خود را به «اردوی معلی» رساندند (مشیزی، ۱۳۶۹: ۲۱۹). فومنی نیز گزارش می‌دهد «ظلم و تعدی و زیادتی» وزیر، و مستوفی لاهیجان باعث شکایت «سادات و موالی و اهالی و مشایخ و مشهوران» آنجا نزد بهزادبیک، وزیر رشت، شد. آنان که شهرت بهزادبیک به دادگستری را شنیده بودند، به رشت رفتند و وی را «به الحاح و التماس بسیار» به لاهیجان بردند تا اعمال آن دو را به او تفهیم کنند (فومنی، ۱۳۴۹: ۱۸۰).

یکی دیگر از تحولات در رفتار متظلمان این دوران، برگزیدن برخی افراد، به‌عنوان نماینده یا واسطه، جهت ابراز بهتر تظلم‌خواهی‌ها بود که نسبت به قبل بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفتند. گویا «زبان‌دانان شاکیان» که احتمالاً اهل معاشرت بودند بهتر می‌توانستند شکایات متظلمان عمدتاً بی‌دست‌وپا را منتقل کنند (نک: نصیری، ۱۳۷۳: ۶۰). پیش‌از این به سادات و بزرگان به عنوان نمایندگان متظلمان اشاره شد (نک: مستوفی‌بافقی، همان؛ فومنی، همان). برخی مواقع کدخدایان این نقش را برعهده می‌گرفتند (منجم، ۱۳۶۶: ۱۶۱-۱۶۰). برای مثال کدخدایان بلوک برزورد نطنز در تظلم‌خواهی مردم ایبانه حضور داشتند و یکی از آنان به نمایندگی از مردم روانه اصفهان شد تا چندوچون ماجرا را به شاه‌عباس یکم گزارش دهد (افوشته‌ای‌نطنزی، ۱۳۷۳: ۴۶۰-۴۶۱). گاهی اوقات نیز مناصبی چون کلانتر و وزیر ایالتی تظلم‌خواهی مردم را نمایندگی می‌کردند (فلسفی، ۱۳۴۷: ۲۰۲/۲). وزیر یزد گزارش جرمه‌ستانی داروغه آنجا را به شاه داد و موجبات عزل داروغه را فراهم آورد (مستوفی‌بافقی، ۱۳۸۵: ۱۸۹/۳). همچنین گاهی اوقات نظامیان نمایندگی مردم متظلم را برعهده می‌گرفتند (نک: ترکمان، ۱۳۸۷: ۶۸۶-۶۸۷؛ رشتیانی، ۱۳۹۴: ۱۶۸/۲-۱۶۹).

### د) ایجاد اتحاد و همبستگی‌های صنفی و گروهی میان متظلمان

امنیت و ثبات سیاسی با تقویت و حمایت از تجار و گروه‌های پیشه‌وری یکی از دستاوردهای سلطنت شاه‌عباس یکم بود که در زمان جانشینان او تداوم و گسترش یافت. فعالان اقتصادی مذکور نیز با حرفه خود بر درآمدهای حکومت به طرق گوناگون افزودند. این رابطه دوسویه و نیاز متقابل می‌بایست خود را در عرصه تظلم‌خواهی‌ها نشان دهد. گویا بر همین اساس، همبستگی‌های صنفی قابل‌توجهی در این دوران میان افراد فعال در حوزه‌های اقتصادی به هنگام تظلم‌خواهی به وجود می‌آمد؛ اتفاقی بود که

پیش از این کمتر سابقه داشت. بر همین اساس تجار، به صورتی گسترده تر دست به تظلم خواهی می زدند. گویا در نتیجه تقاضاها و شکایات آنان بود که شاه صفی فرمان هایی «جهت رفاه حال تجار و رعایا و زیردستان» صادر کرد تا قیمت کالاها و مورد معامله باب میل تجار باشد و حکام در آن دخالتی نداشته باشند (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۳۶). اخذ عوارض و مالیات ها نیز می توانست از عوامل تظلم خواهی تجار باشد. بنابراین بخشش های مالیاتی می توانست ریشه در تظلم خواهی آنان داشته باشد (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۳۳۷-۱۴۱؛ فلور، ۱۳۹۵: ۲۱۴؛ واله اصفهانی، ۱۳۸۰: ۱۲). اما شاید مهم ترین علت شکایت تجار، مانع تراشی حکام در تجارت آنان بود (متی، ۱۳۹۳: ۱۶۷-۱۶۸). پس طبق فرمان های شاهان جهت جلوگیری از زیاده ستانی «کارکنان وزرا و عمال»، سود به بازرگانان بخشیده می شد و «بیع و شری در میان تجار و رعایا به رضای ایشان بوده، عمال دیوان» در آن دخالتی نمی کردند (واله اصفهانی، ۱۳۸۰: ۱۲). تعرض به تجار از سوی اشرار و راهزنان در این دوره نیز وجود داشت (ترکمان و واله اصفهانی، ۱۳۱۷: ۷۴). غارت کاروان قهوه تجار توسط عده ای راهزن، به تظلم خواهی آنان نزد وزیر کرمان منجر شد (مشیزی، ۱۳۶۹: ۵۶۶-۵۶۸). علاوه بر این بروز این اتفاقات باعث می شد فرمان هایی از سوی شاهان صفوی در خصوص لزوم تأمین امنیت راه ها، و رفاه تجار و دیگر مترددین صادر شود (منجم، ۱۳۶۶: ۷۵؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۷۵؛ سوانح نگار تفرشی و حسینی تفرشی، ۱۳۸۹: ۵۲؛ رشتیانی، ۱۳۹۴: ۸۸/۲؛ صادقی، ۱۳۷۸: ۹۰) که می توانست یکی از برآیندهای شکایات تجار باشد.

علاوه بر تجار، اصناف نیز در این دوران رمز موفقیت در تظلم خواهی را در نوعی همبستگی یافته بودند. کیوانی در کتاب خود نمونه های جالب توجهی را از تظلم خواهی های برخی اصناف شامل قنادان، بافندگان و ابریشم بافان در ارتباط با عدم پرداخت مطالبات و وضع مالیات به نقل از اسناد هلندیان می آورد که نشان از ایجاد نوعی همبستگی صنفی میان آنان در این زمان است (کیوانی، ۱۳۹۲: ۱۵۷-۱۵۸). افوشته ای نطنزی اشاره می کند یکی از نتایج تظلم خواهی مردم اصفهان از «حکام و عمال»، بخشش مالیاتی «اصناف محترفه» آنجا بود (افوشته ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۴۵۳-۴۵۴). برخی مواقع نیز هزینه های جشن های سلطنتی که اصناف نیز در آن سهم بودند برای آنان کمرشکن می شد و موجبات شکایات آنان را فراهم می ساخت (کیوانی، ۱۳۹۲: ۱۸۶). در ماجرای شکایت اصناف اصفهان از پارسیدان گرجی، نیابت داروغه اصفهان، در زمان سلطنت شاه عباس دوم اتحاد هر چند مقطعی اصناف قابل مشاهده است. گویا پارسیدان به اموال مردم درازدستی می کرد و «در اخذ جرایم، اموال و اسباب اصفهانیان را مال

خود» پنداشته بود. اصناف محترفه دکان‌های خود را به تحریک میردیوان بستند و به صورتی «به‌هم‌پیوسته» بر سر راه شاه حاضر شدند و «آغاز تظلم و دادخواهی» از پارسیدان کردند. شاه دستور رسیدگی و سپس عزل پارسیدان را صادر کرد (واله‌اصفهانی، ۱۳۸۰: ۵۷۹-۵۸۲). البته که در این ماجرا نمی‌توان از منافع شخصی میردیوان نیز به‌آسانی عبور کرد، اما این حرکت اصناف نیز در نوع خود جالب‌توجه می‌نماید.

کشاورزان یکی دیگر از گروه‌هایی بودند که در دوران تثبیت صفویان در رفتارهایشان درحین تظلم‌خواهی تغییراتی ایجاد کردند. خالصه شدن مقادیر قابل توجهی از اراضی ممالک از رخدادهایی بود که از زمان سلطنت شاه‌عباس یکم آغاز شد و در دوران جانشینان او گسترش یافت. این سیاست اهدافی چون تضعیف قدرت سیاسی حکام عمدتاً قزلباش و مطیع نمودن ایالات در برابر قدرت فائقه حکومت مرکزی و افزایش درآمد از طریق محصولات کشاورزی و مالیات‌گیری را دنبال می‌کرد. این سیاست، به‌رغم باز شدن دست ناظران برای اجحاف در حق مردم، متظلمان را در ارائه تظلم‌خواهی‌هایشان بی‌پروا تر کرد و تأثیر خود را بر نحوه تظلم‌خواهی کشاورزان نیز نشان داد که جسارت و صراحت لهجه کشاورزان در ابراز اعتراضاتشان نتیجه مستقیم آن می‌تواند باشد.

گویا یکی از علل تظلم‌خواهی‌های کشاورزان، تعرض نیروهای حکومت به اراضی کشاورزی بود (نک: دلاواله، ۱۳۹۰: ۲۸۹-۲۹۱). دیگر علت تظلم‌خواهی کشاورزان، مقابله با تقاضای مالیات بیش از اندازه متعارف از آنان بود که معمولاً مقرون به موفقیت بود (نک: فلور، ۱۳۹۵: ۲۷۱). گویا کشاورزان در این زمان تا حدی قدرت و جسارت یافته بودند که وقتی مورد تعدی و تجاوز قرار گرفتند، به‌صورت دسته‌جمعی به شکایت نزد حکام و حتی شاه بروند و با فریاد اعلام کنند اگر رفع تعدی نشود، کشور را ترک خواهند کرد (شاردن، ۱۳۳۶: ۲۲/۴). این نکته جالبی است که اگر کشاورزان متعلق به اراضی شاه بودند، به شکایات بهتر رسیدگی می‌شد (همو، ۱۳۴۵: ۲۷۲/۸). از موارد دیگری که شکایت کشاورزان را در پی داشت، نامطلوب بودن محصول کشاورزی بود. در این صورت، ایشان این حق را برای خود قائل بودند که پیشاپیش اعلام کنند نه‌تنها خیری از محصول و عایدی حکومت نخواهد بود، بلکه تقاضاهای خود را در مورد کمک گرفتن از حکومت جهت کشت سال بعد نیز مطرح کنند (شاردن، ۱۳۴۵: ۲۷۱/۸). همچنین برخی تظلم‌خواهی‌های کشاورزان ایران عصر صفوی در ارتباط با کمبود آب بود و شکایت از

میراب‌ها منجر به برکناری آنان می‌شد (نک: فلور، ۱۳۹۵: ۱۹۹). شاردن به شکایت مردم از میراب منطقه‌ای در نزدیکی اصفهان اشاره می‌کند که علی‌رغم گرفتن وجه ۱۰ روز آب، تنها سهم یک روز را به آنها داده بود. پس کشاورزان دست به تظلم‌خواهی زدند (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۹۴/۸).

یکی از تحولاتی که از سلطنت شاه‌عباس یکم به این سو در ساختار حکومت صفوی به وجود آمد، فربه‌شدن ساختارهای اداری و نظامی دولت بود. همین امر می‌توانست زمینه‌ساز تظلم‌خواهی‌ها از سوی نیروهای وابسته به حکومت شود که چندان مسبوق به سابقه نبود. در این دوران، نظامیان تعداد قابل‌توجهی از نیروهای حکومتی را تشکیل می‌دادند. احتمالاً آنان علی‌رغم سازمان‌یافتگی و تأمین بودن، از کمبودهایی نیز رنج می‌بردند و تظلم‌خواهی می‌توانست راهی برای رسیدگی به تقاضاهای آنان باشد. گویا بر همین اساس بود که در زمان سلطنت شاه‌عباس دوم یک روز از سه روز زمان هفتگی مخصوص رسیدگی به شکایات، به «آحاد لشگر و افراد حشر و بندگان و غلامان» اختصاص یافت (وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۱۷۵). اشارات منابع عصر صفوی به شکایات نظامیان و سربازان که معمولاً به صورت گروهی انجام می‌یافت اندک نیست (فلسفی ۱۳۴۷: ۱۱۹/۲-۱۲۰-۱۳۷؛ شاردن، ۱۳۳۶: ۲۷۲/۳-۲۷۳؛ وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۲۳۹؛ Khuzani isfahani, 2015: 1/493-494؛ متی، ۱۳۹۳: ۱۸۰-۱۸۱). علاوه بر دعاوی حقوقی، بیشتر این شکایات بر اثر عدم پرداخت حقوق آنان بود (وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۵۸؛ تاورنیه، ۱۳۸۳: ۸۲؛ رشتیانی، ۱۷۶/۲-۱۷۹-۲۲۹-۲۳۰). برخی شکایات نظامیان نیز به جهت اخذ مالیات از آنان بود (رشتیانی، ۱۳۹۴: ۷۳/۱-۷۵-۱۳۴-۱۳۶). گاهی اوقات نیز منافع مشترکی میان مردم عادی و نظامیان متظلم به وجود آمده و موجب اقدام مشترک و هم‌زمان آنها به تظلم‌خواهی می‌شد (وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۲۶۶؛ واله‌اصفهانی، ۱۳۸۰: ۶۲۹؛ شاملو، ۱۳۷۱: ۲۹۴/۱). فندرسکی به کارکنان شبه‌باغ‌وحش دربار صفوی اشاره دارد که پس از برچیده شدن بساط آن، قصد داشتند به جهت بیکار شدن، با نگاشتن عریضه‌ای دست به تظلم‌خواهی زنند (موسوی-فندرسکی، ۱۳۸۸: ۱۳۹) که در نوع خود مورد جالبی از تظلم‌خواهی‌ها است.

#### ۴. برآمدن گروه‌های جدید متظلمان از سلطنت شاه‌عباس یکم تا پایان صفویان

یکی دیگر از تحولات ایران دوران تثبیت حکومت صفوی، ورود گروه‌های جمعیتی به جرگه متظلمان بود که تا آن زمان دست‌کم در این سطح گسترده بی‌سابقه بود. این

گروه‌های جمعیتی شامل زنان، عشایر، اقلیت‌های دینی و بیگانگان بودند که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

### الف. زنان

حضور نسبتاً قابل‌توجه زنان در عرصه تظلم‌خواهی یکی از اتفاقات جالب‌توجه دوران تثبیت حکومت صفویه است. اشاره به زنان و به‌خصوص زنان سالخورده در منابع تاریخی و ادبی پیشاصفوی به‌عنوان نمادهای تظلم‌خواهی اندک نیست. البته آن اشارات بیشتر به‌صورت فردی بود اما در ایران عصر صفوی، جدای از تظلم‌خواهی‌های فردی، نمونه‌هایی از زنان متظلم مشاهده می‌شوند که به‌صورت انفرادی یا همراه همسر و خانواده‌هایشان دست به شکایت می‌زدند. برای مثال هنگامی که شاه‌عباس یکم در شهر استرآباد حضور داشت، ناگهان «ناله و نغیر عورات و بیچارگان از تظلم و دادخواهی سیاهپوشان»<sup>(۱۰)</sup> به کره اثر رسید، چه در ایام هرج‌ومرج از سیاهپوشان نسبت به زنان آن شهر بسیار بی‌اعتدالی و هتک حرمت شده بود (ترکمان، ۱۳۸۷: ۵۸۴-۵۸۵؛ Khuzani 2015: 1/277). گویا حضور فعالانه زنان در دوران پس از سلطنت شاه‌عباس یکم گسترده‌تر نیز شد. شاردن در مورد تظلم‌خواهی کشاورزان در این سال‌ها گزارش می‌دهد زنان به‌همراه کودکان خود و همدوش مردانشان در تظلم‌خواهی‌ها در خصوص کیفیت یا کمیت نامطلوب محصول دست به شکایت می‌زدند. ایشان وقتی روانه پایتخت می‌شدند، در حوالی دربار آنقدر ناله و فریاد می‌کردند تا به تقاضاهایشان رسیدگی شود (شاردن، ۱۳۴۵: ۲۷۱/۸-۲۷۴). علاوه‌براین هنگام قرق که مردان می‌بایست از سر راه شاه و حرمش ناپدید می‌شدند، می‌توانست فرصت خوبی برای زنان متظلم جهت دادن عریضه خود و بیان شکایاتشان باشد. شاردن می‌گوید زنان ارمنی با زیباترین آرایش‌ها بر سر راه شاه می‌آمدند و به بهانه تقدیم عریضه برای شوهرانشان، خود را به شاه می‌نمایاندند (شاردن، ۱۳۴۵: ۳۹۸/۸). برخی از گزارش‌ها نیز به نقش پیرزنان در تظلم‌خواهی‌های این دوره اشاره دارند (نک: وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۵۵-۵۷؛ شاردن، ۱۳۴۵: ۱۲۵/۷).

### ب. ایلات و قبایل

حضور نیروهای عشایر در جرگه متظلمان در دوران سلطنت شاه‌عباس یکم و جانشینان او، از تحولات گونه‌شناسی در حوزه متظلمان ایران عصر صفوی است که تا پیش از این کمتر به‌چشم می‌خورد. البته آنان نیز باید خدماتی به حکومت ارائه داده و برای مثال سرباز در اختیار قشون قرار می‌دادند و برخی مالیات‌ها را نیز پرداخت می‌کردند (فلور، ۱۳۹۵: ۲۷۴). ملاجلال می‌گوید ایل بزرگ گودرزیان بر اثر ظلم امرا متفرق شده و تنها

یکصد خانوار از آنها باقی مانده بود. پس به حقیقت حال آنان رسیدگی شد و شاه «آن جمع را خاصه فرمودند» (منجم، ۱۳۶۶: ۳۴۵). وقتی تعرضات ترکمانان در استرآباد و قلعه مبارک‌آباد موجب شکایت «ریش‌سفیدان اویماقات» و ارسال عریضه‌ای به فریدون‌خان چرکس شد، او نیروهایی جهت مقابله فرستاد و مهاجمان را تارومار کرد (بسطامی، ۱۳۸۰: ۳۵-۴۴). استرآبادی گزارش می‌دهد شاه‌عباس اول در اسفراین «جماعت ایل و الوسات را که قتل و غارت به ایشان رسیده بود، معافی و سیورغال شفقت فرمودند» (حسینی‌استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۵۶). بعید نیست این بخشش در نتیجه تظلم‌خواهی آنان رخ داده باشد.

اشاره به تظلم‌خواهی ایلات و عشایر در منابع دوران پسا شاه‌عباسی چشمگیر است. ظلم خلیل‌خان، حاکم الوار بختیاری، موجب شورش و شکایت آنان شد (واله‌اصفهانی، ۱۳۸۰: ۴۰۷-۴۰۸؛ وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۵۹). در فرمانی از شاه‌سلیمان، به تظلم‌خواهی عده‌ای از ترکمانان گوکلان از اجحافات بیگلربیگیان استرآباد و همراهی با ترکمانان یموت در غارت آنان اشاره شده است (ذبیحی و ستوده، ۱۳۵۴: ۵۲-۵۳). تظلم‌خواهی جماعت کشلو و قراملو در برابر حکام نیز در یکی از فرمان‌های شاه‌سلطان حسین منعکس است. علاوه‌براین گویا حکام مزاحم رفت‌وآمد و بیلامشی آنها در برخی مناطق کاخت می‌شدند. پس شاه دستور داد «احدی به‌خلاف حکم و حساب مزاحمت به حال ایشان» نرساند (رشتیانی، ۱۳۹۴: ۱۴۰/۲).

### ج. اقلیت‌های مذهبی

یکی از سیاست‌های کلان صفویان که از دوره سلطنت شاه‌عباس یکم آغاز شد و در سال‌های بعد نیز گسترش یافت، ورود اقلیت‌های مذهبی به معادلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود. این حضور فعال می‌توانست پای بسیاری از آنان را به عرصه تظلم‌خواهی‌ها بکشد. یکی از این اقلیت‌ها، ارمنه بودند. صفویان تقریباً از همان اوایل حکومتشان مرادوات متقابل و دامنه‌داری را با آنان آغاز کردند، اما حضور گسترده ارمنه در ایران، در دوره حکومت شاه‌عباس یکم رقم خورد. تعداد قابل‌توجهی از آنان در زمان سلطنت این پادشاه به منطقه‌ای در اصفهان، که به جلفای نو مشهور گردید و مناطقی دیگر مانند فریدن و چهارمحال کوچانده و ساکن شدند. برخی ارمنه به‌واسطه آشنایی با زبان‌های بیگانه و برخی فنون، و هم‌مسلك بودن با اروپاییان نزد حکومت صفوی جایگاه خاصی داشتند. آنان در نقش بازرگان، دیپلمات و مترجم برای این حکومت ایفای نقش می‌کردند (متی، ۱۳۹۵: ۱۹۸). موارد عمده‌ای از تظلم‌خواهی ارمنه، مربوط به مزاحمت

برای تجار و طلب وجوهات از آنان وجود دارد (اعرابی‌هاشمی، ۱۳۹۴: ۲۸۰-۲۸۳-۲۸۴-۳۴۴-۳۴۵). در برخی فرمان‌های پادشاهان صفوی نیز راهداران سفارش می‌شوند تا عوارض بیش از اندازه از تجار ارمنی نگیرند و مزاحم آنها نشوند (همان: ۲۸۸-۲۹۴-۲۹۸). علاوه بر این‌ها یکی از مهم‌ترین تقاضاهای آرامنه عدم پرداخت جزیه (رشتیانی، ۱۳۹۴: ۱۶۴/۲-۱۶۵-۱۹۲-۱۹۳).

دیگر اقلیتی که جزو متظلمان در ایران دورهٔ تثبیت عصر صفوی بودند، گرجیان هستند. گرجستان یکی از چهار والی‌نشین ایران بود و اسناد برجای‌مانده از آنان نشان می‌دهد که نفوذ شاه ایران در آنجا تا چه میزان از طریق رسیدگی به تظلم‌خواهی‌ها میسر می‌شد. آنان می‌توانستند از حاکمان خود شکایت کنند و درخواست تعویض آنان را داشته باشند (حسینی‌استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۸۶-۱۸۷). علاوه‌براین ممانعت از جابه‌جایی گرجیان نیز می‌توانست شکایت آنان را در پی داشته باشد. فرمان شاه‌صفی به سال ۱۰۵۱ هـ.ق که درخصوص عدم جلوگیری از بازگشت ۳۹۰ خانوار کارتیلی به زادگاهشان از کاخ است، شکایت آنان را به ذهن متبادر می‌کند (رشتیانی، ۱۳۹۴: ۱۰۷/۱). برخی شکایات از جانب مقامات کلیسای گرجستان از جمله کتله‌کوزها (اسقف اعظم) آنجا نیز از اسناد این دوره باقی مانده است. آنان تقاضای به رسمیت شناخته شدن اقتدار و استقلالشان و همچنین لزوم عدم دخالت در موقوفات کلیسا را داشتند (رشتیانی، ۱۳۹۴: ۲۲۷/۲-۱۵۲-۱۵۱). جدای از موارد ذکرشده تظلم‌خواهی‌های آرامنه و گرجیان در ارتباط با دعاوی حقوقی نیز اندک نبود. دعاوی‌ای که بیشتر در اسناد برجای مانده است و مربوط به اختلافات ملکی (نک: اعرابی‌هاشمی، ۱۳۹۴: ۲۷۲-۲۷۳-۲۷۷-۲۷۸-۲۹۹-۳۰۴-۳۰۶-۳۱۲-۳۶۱-۳۱۳؛ رشتیانی، ۱۳۹۴: ۴۷/۱-۱۴۶-۱۴۷-۱۵۶-۱۹۰-۱۹۳-۱۹۴-۲۱۲-۲۹۱-۲۹۲؛ همو، ۲۱/۲-۱۹۵-۱۸۵-۱۶۹-۱۶۸-۱۲۰-۵۴-۵۳-۲۲) و مالی (نک: اعرابی‌هاشمی، ۱۳۹۴: ۲۸۳-۲۹۶-۳۰۱-۳۱۷-۳۱۶-۳۰۳؛ رشتیانی، ۱۳۹۴: ۱۷/۲)، تقاضاهای تخفیف و معافیت مالیاتی و به‌خصوص جزیه (نک: اعرابی‌هاشمی، ۱۳۹۴: ۳۶۵-۳۶۴-۳۱۱-۳۰۸-۲۸۷-۲۷۷-۲۷۶-۲۶۹-۲۶۸؛ رشتیانی، ۱۳۹۴: ۱۱۵/۲-۱۱۴)، درخواست‌های رسیدگی به پرونده‌های ارث‌ومیراث (نک: اعرابی‌هاشمی، ۱۳۹۴: ۲۸۴-۲۸۳؛ ۲۷۶-۲۷۵؛ ۲۸۰-۲۸۱؛ ۳۲۲-۳۲۳)، قتل (نک: رشتیانی، ۱۳۹۴: ۱۵۱/۲-۱۵۲-۲۲۷؛ اعرابی‌هاشمی، ۱۳۹۴: ۳۰۴-۳۰۳-۳۰۷)، امور مربوط به سلسله‌مراتب کلیسا (نک: رشتیانی، ۱۳۹۴: ۱۵۱/۲-۲۲۷-۲۰۷-۱۵۲؛ اعرابی‌هاشمی، ۱۳۹۴: ۲۸۵-۲۸۶-۲۹۴-۲۹۵-۳۲۹-۳۳۰-۳۵۱-۳۵۳-۳۴۸-۳۴۴-۳۴۳-۳۴۲)، مسائل ناموسی (نک: منجم، ۱۳۶۶: ۲۷۴)، درگیری و شکایت از مسیحیان اروپایی مقیم ایران (نک: متی، ۱۳۹۳: ۱۹۸)، عدم ممانعت جهت تهیهٔ



شراب (نک: اعرابی‌هاشمی، ۱۳۹۴: ۳۱۰-۳۱۱) و تردد در روزهای بارانی (نک: همان: ۳۵۰-۳۵۱). و اموری از این دست می‌شود که نظام قضایی از رسیدگی به آنها بازمانده و اقلیت‌های مذکور را مجبور می‌کرد شکایت خود را نزد شاه نیز مطرح کنند.

زرتشتیان اما از دیرباز در نواحی جنوب شرق ایران مانند یزد و کرمان، حضور داشتند. به مناسبت منابع موجود، از زرتشتیان دوران تثبیت حکومت صفویه آن هم در کرمان اطلاعات بیشتری برجای مانده است. شغل اصلی آنان کشاورزی بود و از منظر پرداخت جزیه برای حکومت اهمیت داشتند.<sup>(۱۱)</sup> از همین رو شکایات زرتشتیان عمدتاً با این دو مقوله ارتباط داشت (نک: مشیزی، ۱۳۶۹: ۲۴۲-۵۱۰). همچنین برخی شکایات از مسئول اخذ جزیه بود (همان: ۲۵۱) که مشیزی از آن به‌عنوان «جزیه‌المجوس» یاد می‌کند (همان: ۳۶۰). شکایت نسبت به زیاده‌ستانی‌ها (نک: همان: ۴۹۰-۴۹۶)، شکایات حقوقی (نک: همان: ۴۹۱)، اعتراض به تعرضات اشراک (نک: همان: ۵۴۷) و نظامیان خودسر (نک: همان: ۵۵۰) از دیگر موارد شکایات زرتشتیان بود.

#### د. اتباع بیگانه

عصر صفوی، عصر مراودات گسترده ایران و جهان خارج در حوزه‌های گوناگون بود و نقطه‌عطف آن را می‌توان دوره سلطنت شاه‌عباس یکم و جانشینان او دانست. البته سیاست خارجی صفویان بیشتر مبتنی بر ارتباط با اروپاییان بود و بیشترین منابع تاریخی و اسناد برجای‌مانده از تظلم‌خواهی‌های بیگانگان نیز متعلق به اتباع اروپایی است. در دوران پس از شاه‌عباس یکم که صفویان کمتر با ممالک همسایه درگیری پیدا کردند، روابط میان ایران و اروپاییان بیشتر به مسائل اقتصادی محدود شد. بر همین اساس تجار اروپایی بیشترین تنش‌ها را در ایران داشتند و بالطبع ناراضی‌هایی در این بین برای اروپاییان ایجاد می‌شد. یکی از تمهیدات آنها تظلم‌خواهی بود. ظاهراً اروپاییان از جایگاه خود در ایران آگاه بودند و با کمترین دغدغه‌ای شکایاتشان را مطرح می‌کردند. یکی از علل مهم تظلم‌خواهی اروپاییان مزاحمت‌های امرا، حکام، داروغگان و راهداران و نیز تقاضاهای پرداخت عوارض گمرکی بود (نک: اسناد پادریان کرملی، ۱۳۸۳: ۱۶۹-۱۷۲). علاوه بر اینکه حکومت مرکزی به شکایات از کارگزاران حکومتی رسیدگی می‌کرد، خود را ملزم می‌دانست در جبران خسارت تجار خارجی متضرر، که عمال حکومت صفوی در آن نقشی نداشتند، نیز بکوشد (نک: فومنی، ۱۳۴۹: ۲۸۴-۲۸۵). برخی مواقع حربه تهدید به شکایت از سوی اتباع بیگانه، غائله را خاتمه می‌داد و کار به تظلم‌خواهی کشیده نمی‌شد (نک: فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۳۸۳-۳۸۴-۴۰۲-۴۰۴). مواجهه حکومت با تظلم‌خواهی اروپاییان، معمولاً

رسیدگی‌های فوری بود (نک: منجم، ۱۳۶۶: ۲۱۲-۲۱۳) و تظلم‌خواهی آنان معمولاً مقرون به موفقیت بود. گویا پس از ارائه شکایات ازسوی اروپاییان، افرادی برای تحقیق و تفحص مأمور می‌شدند. درخصوص سرقت اموال تجار اروپایی «تحقیقات بسیار دقیق و درست» انجام می‌شد (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۱۱/۳). سارقان باید سریع پیدا شده و مجازات می‌گردیدند و اگر احیاناً پیدا نمی‌شدند، مسئولین امر، مقصر شناخته شده و باید بهای اموال سرقتی را «شخصاً» پرداخت می‌کردند (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۷۹). هنگامی که انگلیسی‌های کمپانی هند شرقی اعلام کردند در بازرسی و بازدید چمدان‌ها و وسایل آنان سخت‌گیری شده و حق‌العبور از آنان گرفته می‌شود، حکومت به‌سرعت رسیدگی و مأموران خاطی را تنبیه نمود (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۱۸-۳۰۰-۲۹۹/۳). علاوه‌براین، گاهاً تجار اروپایی از مسئولان محلی که متعرض خرید سالانه شراب موردنیاز آنان شده بودند ابراز نارضایتی می‌کردند. پس حکومت عدم مزاحمت برای اروپاییان در مورد خرید شراب و حمل‌ونقل آن را تضمین می‌کرد. هر کس در این زمینه از دستورات شاه خودداری می‌کرد «مستوجب مجازات سخت و مستلزم کیفر اعدام» بود (نک: شاردن، ۱۳۳۶: ۳۱۰/۳؛ تاورنیه، ۱۳۸۳: ۱۶۸). مقامات عالی‌رتبه هم در معرض تظلم‌خواهی اروپاییان بودند. گماشته کمپانی هند شرقی هلند به دربار شاه‌عباس دوم روانه شد تا نسبت به بی‌عدالتی‌های وزیر فارس، که اعتراض تجار هلندی را در پی داشت، شکایت کند. پس از مدتی کوتاه، وزیر عزل و اموالش مصادره شد (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۱۸-۲۰۹-۲۰۸/۳؛ همو، ۱۳۴۵: ۲۰۹/۹-۲۱۰). در نمونه‌ای دیگر، مدیر کمپانی هند شرقی هلند از شاه‌صفی تقاضا کرد در ماجرای وی و طلبکارانش مداخله کند (فلور، ۱۳۸۱: ۲۳). سانسون که مسئولیت ارثیه اسقف بابل در ایران را عهده‌دار شده و در این راه به مشکلی حقوقی برخورد کرده بود، نزد شاه تظلم‌خواهی نمود. به تظلم وی رسیدگی شد و ضرر و زیانی که به او رسیده بود جبران گردید (سانسون، ۱۳۴۶: ۲۰). همچنین شرکت هند شرقی انگلیس که در گرفتن باقی مطالباتش در حق‌السهم یک‌ساله شرکت از درآمد گمرکی آنجا، از شاه‌بندر بندرعباس ناکام مانده بود، نزد شاه‌سلطان حسین عرض خود را مطرح کرد. شاه دستور پرداخت باقی مطالبات شرکت را به شاه‌بندر داد (طاهری، ۱۳۵۴: ۱۸۸-۱۸۹؛ فلسفی، ۱۳۹۷: ۱۷۴-۱۹۸-۱۹۹).

درباره تظلم‌خواهی اتباع کشورهای غیراروپایی منابع درخوری در دست نیست. معدود اشارات در این باب مربوط به اتباع هندی است (نک: وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۳۰۵-۳۰۶). آنان بیشتر به کار تجارت و امور صرافیه مشغول بودند و با وجود نقشی که در کاهش

نقدینگی کشور و رواج رباخواری داشتند، حضور مؤثرشان در رونق اقتصاد ایران عصر صفوی غیرقابل انکار است (حاجیان پور و دهقان، ۱۳۸۷: ۹۵-۱۰۴). مواجهه حکومت درقبال تظلم خواهی های آنان نیز رسیدگی دقیق بود (وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۳۰۵-۳۰۶). شاردن به شکایت صرافان هندی مقیم اصفهان از حاکم آن شهر اشاره می کند که آنان را مجبور به پرداختن جریمه کرده بود (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۸۰/۸-۱۸۱) علاوه براین، علت عمده شکایات هندیان بازرگان نیز، در ارتباط با غارت کاروان هایشان توسط راهزنان بود. در این موارد با راهزنان مقابله و حکام تنبیه می شدند (نک: شاردن، ۱۳۳۵: ۴۲۵/۲؛ مشیزی، ۱۳۶۹: ۳۳۶-۳۳۷).

## ۵. نتیجه

بررسی متظلمان و رفتارهای آنان در عصر صفوی نشانگر برخی تحولات است که ارتباط مستقیمی با سیاست های صفویان در برهه های مختلف حکومتشان داشت. درحالی که متظلمان در اوایل حکومت صفویه یعنی از تأسیس حکومت تا برآمدن شاه عباس یکم با توجه به متلاطم بودن اوضاع ایران و برهه های ثبات مقطعی، حضوری کم رنگ و پراکنده در عرصه تظلم خواهی ها داشتند، در دوره های بعد برخی تغییرات قابل توجه در آنان به وجود آمد. بدین نحو که در دوره سلطنت شاه عباس یکم و جانشینان وی و با توجه به شکل گیری تدریجی بسیاری از ساختارهای حکومتی و آرامش و امنیت مملکت، متظلمان با نظم و برنامه ریزی بیشتری دست به تظلم خواهی زدند. مهم ترین علت این تغییر مناسبات، تثبیت نهاد تظلمات بود که موجب نظام مندی متظلمان و رفتار آنان شامل اقدام دسته جمعی به تظلم خواهی، مکتوب نمودن تظلم خواهی ها و نوعی سماجت و پی گیری های مکرر و دامنه دار در بسیاری از موارد گردید. ضمن اینکه تظلم خواهی های نیروهای مولد اقتصادی یعنی تجار و اصناف و کشاورزان به صورت همبسته در این دوران ظاهر شد و حتی نظامیان و دیگر نیروهای وابسته به حکومت نیز تلاش کردند تا در قالب گروه های متحد دست به تظلم خواهی زنند. علاوه براین برخی گروه ها وارد جرگه متظلمان شدند که تا پیش از این کمتر در تاریخ ایران سابقه داشت و یا منابع کمتر به آن ها اشاره کرده اند. آنان عشایر، زنان، اقلیت های دینی و بیگانگان بودند. بدین ترتیب حکومت صفوی با ایجاد تحول در ساختارهای حکومت در همه ارکان آن احتمالاً برای نخستین بار در حوزه رفتارشناسی و گونه شناسی متظلمان ایران عصر صفوی تغییرات شگرفی ایجاد نمود که تا پیش از این بی سابقه بود.

## پی‌نوشت‌ها

۱. نمونه قابل توجه این گرده‌برداری احتمالاً *سلوک‌الملوک* روزبهان خنجی باشد (نک: خنجی، ۱۳۶۲: ۲۱۸-۲۲۷). البته خنجی در اوایل حکومت صفوی زندگی می‌کرد و در تقابل اندیشه‌ای با صفویان، سرسختانه از مذهب تسنن هواداری می‌کرد و بدین خاطر نزد ازبکان گریخت.
۲. به جز *روضه‌الأنوار عباسی* آثار دیگری نیز در حوزه ادبیات اندرزنامه‌ای در عصر صفوی، به‌ویژه در دوران ثبات آن تولید شدند که از میان آنها می‌توان به *رفیق توفیق قزوینی* (۱۳۹۶)، *قواعد‌السلطین علوی عاملی* (۱۳۸۴) و *قواعد سلطانی کاشانی* (۱۳۹۳) اشاره کرد.
۳. طاهری به نقل از دالساندری نقل می‌کند متظلمان در نزدیکی کاخ شاه‌تهماسب، جامه‌های خود را می‌دریدند و خود را از دیوارهای دولتخانه می‌آویختند، فریادرسی نداشتند. ابوالقاسم طاهری، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از تیمور تا مرگ شاه‌عباس (تهران: کتاب‌های جیبی، فرانکلین، ۱۳۵۴: ۲۱۱-۲۱۲). جدای از عدم رسیدگی، مشخص نیست آنان از چه قشری و گروهی بودند.
۴. البته ممیره که در زمان سلطنت شاه‌تهماسب به ایران سفر کرده بود سیدی را دیده است که یکی از کارهایش نگارش نامه و عریضه برای مردم بود (ممیره، ۱۳۹۳: ۲۴۰).
۵. فرمان‌هایی از شاهان سال‌های اولیه حکومت صفوی تا برآمدن شاه‌عباس یکم در اسناد ماتناداران وجود دارد که در پی شکایات ارامنه صادر شده‌اند و بیشتر به امور ملکی و مالیاتی آنان در ارمنستان مربوط می‌شوند. قاعدتاً این متظلمان، مالکان آن منطقه بودند (نک: پاپازیان، ۱۹۵۶، ۲۵۸/۱-۲۸۱).
۶. گویا شکایات فردی نیز می‌توانست موفقیت‌آمیز باشد (نک: واله‌اصفهانی، ۱۳۸۰: ۴۹۲-۴۹۳؛ وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۱۴۲). باین‌حال گویا ناکامی متظلمان تنها، و حتی کشته‌شدنشان به‌خصوص در فرق نیز اندک نبوده است (نک: شاردن، ۱۳۴۵: ۳۹۶/۸؛ تاورنیه، ۱۳۸۳: ۱۹۸).
۷. شاردن از تعداد مبالغه‌آمیز ده هزار نفری شاکایی که به دربار روی می‌آورند سخن می‌گوید که هفت تا هشت هزار نفر آنان دائماً در آنجا بودند (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۹۲/۸).
۸. فیدالگو می‌گوید مردم عادی اجازه حضور در بارعام را نداشتند. پس طبق عادت عرایض خود را بر سر دست گرفته و بیرون از قصر به شاه می‌دادند (فیدالگو، ۱۳۵۷: ۸۱).
۹. گویا حضوری بودن شکایات نیز احتمال کامیابی متظلمان را بیشتر می‌کرد (نک: وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۳۰۵-۳۰۶).
۱۰. سیاهپوشان گروهی با گرایش‌های صوفیانه و احتمالاً مذهبی بودند که ریشه‌های پیشاصفوی داشتند. به هنگامه نابه‌سامانی‌های سیاسی و اجتماعی مدعی حکومت می‌شدند و در اوضاع ثبات یکی از گروه‌های مطیع و حتی در خدمت حکومت‌ها به‌شمار می‌رفتند (نک: الزویری، ۱۳۸۲: ۵۰-۵۴).
۱۱. باستانی‌پاریزی اشاره می‌کند یک‌بار شاه‌عباس یکم برای رسیدگی به شکایت زرتشتیان کرمان شخصاً به آنجا رفته بود (باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۲: ۲۴۵).

## منابع

- اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه‌عباس صفوی*، به کوشش منوچهر ستوده، با همکاری ایرج افشار، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۳.
- اعرابی‌هاشمی، شکوه‌السادات، *ارامنه جلفای نو در عصر صفوی*، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴.

- شماره ۷۰ و ۷۱، ۵۰-۵۴، ۱۳۸۲.
- افوخته‌ای نطنزی، محمد بن هدایت‌الله، *نقاوه‌الآثار فی ذکر الاخیار*، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- امینی‌هروی، امیرصدرالدین ابراهیم، *فتوحات شاهی (تاریخ صفوی از آغاز تا ۹۲۰ ه.ق)*، تصحیح و تعلیق و توضیح و اضافات، محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳.
- باربو، جوزا و دیگران، *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۱.
- باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران، صفی‌علیشاه، ۱۳۶۲.
- بسطامی، محمداطاهر، *فتوحات فریدونیه (شرح جنگ‌های فریدون‌خان چرکس، امیرالامرای شاه‌عباس اول)*، مقدمه و تصحیح سیدسعید میرمحمدصادق و محمدنادر نصیری مقدم، تهران، نقطه، ۱۳۸۰.
- پاپازیان، هاکوب، *فرامین فارسی فارسی‌ماتن‌داران*، جلد اول، ایروان، نائیری، ۱۹۵۶.
- تاورنیه، ژان باتیست، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه حمید ارباب‌شیرانی، تهران، نیلوفر، ۱۳۸۳.
- ترکمان، اسکندربیگ منشی و واله‌اصفهانی، محمدیوسف، *ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی*، به تصحیح سهیلی خوانساری، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۱۷.
- ترکمان، اسکندربیگ منشی، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، با اهتمام و تنظیم ایرج افشار، چهار جلد (در دو مجلد)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷.
- جهانگشای خاقان، مقدمه و پیوست‌ها و فهرس‌الله‌داتا مضطر*، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۴.
- حاجیان‌پور، حمید و معصومه دهقان، «بانیان از دیدگاه سفرنامه‌های عصر صفوی»، *تاریخ اسلام*، سال نهم، شماره مسلسل ۳۳-۴۳، ۷۹-۱۱۴، ۱۳۸۷.
- حسنی، عطاءالله، «آموزش‌های نظری در عصر صفوی»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، شماره ۵۲، ۱۵۳-۱۶۸، ۱۳۸۵.
- حسینی‌استرآبادی، سیدحسین بن مرتضی، *تاریخ سلطانی، از شیخ‌صفی تا شاه‌صفی*، به کوشش احسان اشراقی، تهران، علمی، ۱۳۶۶.
- حسینی‌قزوینی، یحیی بن عبداللطیف، *لب‌التواریخ*، به کوشش سیدجلال‌الدین طهرانی، تهران، مؤسسه خاور، ۱۳۱۴.
- خنجی، فضل‌الله روزبهان، *سلوک‌الملوک*، به تصحیح و با مقدمه محمدعلی موحد، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۲.
- دلاواله، پیتر، *سفرنامه دلاواله*، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰.
- ذبیحی، مسیح و منوچهر ستوده، *از آستارا تا استارآباد*، جلد ششم، شامل اسناد تاریخی گرگان، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴.
- رشتیانی، گودرز، *گزیده احکام و فرامین شاهان ایران به حکام قفقاز، از شاه‌تهماسب تا شاه‌سلیمان صفوی*، جلد اول، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۹۴.

- \_\_\_\_\_ گزیده احکام و فرامین شاهان ایران به حکام قفقاز، از شاه‌سلطان حسین تا شاه‌تهماسب دوم صفوی، جلد دوم، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۹۴.
- روملو، حسن‌بیگ، احسن‌التواریخ، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، بابک، ۱۳۵۷.
- سانسون، نیکلاس، سفرنامه سانسون، وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه‌سلیمان صفوی، ترجمه تقی تفضلی، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۶.
- سلطانیان، ابوطالب، «چگونگی کنش پادشاهان صفوی با طبقه کشاورز و روستایی»، تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال بیست‌وششم، شماره ۳۰، ۱۴۱-۱۶۶، ۱۳۹۵.
- سوانح‌نگار تفرشی، ابوالفاخر و محمدالحسین الحسینی التفرشی، تاریخ شاه‌صفی (تاریخ تحولات ایران در سال‌های ۱۰۳۸-۱۵۲۰م.ق)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، میراث مکتوب، ۱۳۸۹.
- شاردن، ژان، سیاحتنامه شاردن، جلد دوم، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵.
- \_\_\_\_\_ سیاحتنامه شاردن، جلد‌های سوم و چهارم، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶.
- \_\_\_\_\_ سیاحتنامه شاردن، جلد‌های هفتم، هشتم و نهم، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵.
- شاملو، ولی‌قلی، قصص‌الخاقانی، دو جلد، تصحیح و پاورقی سیدحسن سادات‌ناصری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
- صادقی، مقصودعلی، «اهداری در روزگار صفویه و چند سند منتشر نشده»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ش ۱۷۱، ۸۱-۱۱۱، ۱۳۷۸.
- طاهری، ابوالقاسم، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از تیمور تا مرگ شاه‌عباس، تهران، کتاب‌های جیبی، فرانکلین، ۱۳۵۴.
- عالم‌آرای شاه‌تهماسب، زندگی داستانی دومین پادشاه دوره صفوی، به کوشش ایرج افشار، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۰.
- عالم‌آرای صفوی، به کوشش یدالله شکری، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
- غفاری‌قزوینی، قاضی احمد، تاریخ جهان‌آرا، تصحیح حسن نراقی، تهران، کتابفروشی حافظ، ۱۳۴۳.
- فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه‌عباس اول، جلد دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- \_\_\_\_\_ سیاست خارجی ایران در دوران صفویه، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۷.
- فلور، ویلم، نظام قضایی عصر صفوی، ترجمه حسن زندیه، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱.
- \_\_\_\_\_ تاریخ مالی ایران در روزگار صفویان و قاجاران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۹۵.
- فومنی‌گیلانی، ملاعبدالفتاح، تاریخ گیلان در وقایع سال‌های ۹۲۳-۱۰۳۸ هجری قمری، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- فیدالگو، گریگوریو پرئیرا، گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه‌سلطان حسین صفوی، ترجمه از زبان پرتغالی و حواشی از ژان ابن، ترجمه پروین حکمت، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.
- فیگوئرا، دن گارسیا د سیلوا، سفرنامه فیگوئرا سفیر اسپانیا در دربار شاه‌عباس اول، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.

کیوانی، مهدی، *پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی، جستارهایی در تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران*، ترجمه یزدان فرخی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۲.

ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب، *آیین حکمرانی*، ترجمه و تحقیق از حسین صابری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.

متی، رودلف، *ایران در بحران، زوال صفویه و سقوط اصفهان*، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۳.

محقق سبزواری، محمدباقر، *روضه‌الأنوار عباسی: مبانى اندیشه سیاسى و آیین مملکتداری*، به کوشش نجف لکزایی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.

مستوفی بافقی، محمد مفید، *جامع مفیدی*، جلد سوم، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۸۵.  
مشیزی (بردسیری)، میرمحمدسعید، *تذکره صفویه کرمان*، مقدمه و تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، علم، ۱۳۶۹.

ممبره، میکل، *در سه سفرنامه*، به کوشش حسن جوادی و ویلم فلور، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۹۳.

منجم، ملاجلال‌الدین، *تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال*، شامل وقایع دربار شاه‌عباس صفوی، به کوشش سیفالله وحیدنیا، تهران، وحید، ۱۳۶۶.

منشی قزوینی، بوداق، *جواهرالأخبار*، بخش تاریخ ایران از قراقویونلو تا سال ۹۸۴ ه.ق، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۸.

منشی قمی، احمد بن حسین، *خلاصه‌التواریخ*، به تصحیح احسان اشراقی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.

موسوی فندرسکی، ابوطالب بن میرزاییک، *تحفه العالم در اوصاف و اخبار شاه‌سلطان حسین*، به کوشش رسول جعفریان، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.

میرزافیعا، محمدرفعی بن حسن، *دستورالملوک میرزافیعا*، به کوشش و تصحیح محمداسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، با مقدمه منصور صفت‌گل، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵.

نصیری، محمدابراهیم بن زین‌العابدین، *دستور شهریاران* (سال‌های ۱۱۰۵-۱۱۱۰ ه.ق پادشاهی شاه‌سلطان حسین صفوی)، به کوشش محمدنادر نصیری‌مقدم، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۳.

واله اصفهانی، محمدیوسف، *خلد برین (حدیقه ششم و هفتم از روضه هشتم)*، تصحیح و تعلیق و توضیح و اضافات محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.

\_\_\_\_\_، *خلد برین* (ایران در روزگار صفویان)، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۲.

وحیدقزوینی، محمدطاهر، *عباسنامه*، به تصحیح ابراهیم دهگان، اراک، کتابفروشی داوودی اراک (فردوسی سابق)، ۱۳۲۹.

Khuzani isfahani, Fazli beg, *A chronicle of the Reign of shah Abbas*. volume 1.  
Edited by Kioumars Ghereghlou. With an introduction by Kioumars Ghereghlou  
and Charles Melville. Cambridge: Gibb Memorial Trust, 2015.